

کارشناسان پژوهش: حجج اسلام روح الله صدوق، محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد، حسن صدوق، محمدجواد آقایی، محمدهادی میرزایی

۱. بررسی روایت فقه الرضا (ع) در چگونگی «تبعیت مکاسب از معایش»

۱/۱. احتمال اول در معنای این روایت: «استنباط قاعده کلی: تبعیت حرمت مکاسب از حرمت معایش در همان جهت خاص»

در بررسی روایاتی که مرحوم شیخ انصاری در ابتدای کتاب مکاسب محرمة آورده‌اند، روایت تحف العقول مورد بررسی قرار گرفت اما سه روایت دیگر باقی ماند که به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

روایت دوم، در کتاب فقه الرضا علیه السلام آمده که ظاهراً منسوب به حضرت است: «اعْلَمَ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ مَأْمُورٍ بِهِ مِمَّا هُوَ مِنْ عَلَى الْعِبَادِ وَقَوَامٌ لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ الَّذِي لَا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهُ وَمِمَّا يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَلْبَسُونَ وَيَنْكِحُونَ وَيَمْلِكُونَ وَيَسْتَعْمِلُونَ فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ بَيْعُهُ وَشِرَاؤُهُ وَهَبَتُهُ وَعَارِيَّتُهُ وَكُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا قَدْ نَهِيَ عَنْهُ مِنْ جِهَةِ أَكْلِهِ وَشُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَنِكَاحِهِ وَإِمْسَاكِهِ لَوْجِهِ الْفَسَادِ وَمِثْلُ الْمَيْتَةِ وَالدِّمِّ وَلَحْمِ الْخَنْزِيرِ وَ الزَّبَا وَ جَمِيعِ الْفَوَاحِشِ وَ لَحُومِ السِّبَاعِ وَ الْخَمْرِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَحَرَامٌ ضَارٌّ لِلْجِسْمِ»^۲.

در قسمت اول این روایت، آن معنایی که ما از «منفعت محلله مقصوده» در جلسات قبل مطرح کردیم، مورد تأکید قرار گرفته؛ یعنی سه قیدی که برای «محلله» عنوان شد (مأموریه، قوام عباد، عدم جایگزینی غیر به جای آن) در این روایت مورد تصریح قرار گرفته است.

درباره معنای قسمت دوم این روایت نیز یک احتمال این است که حرمت اکتساب اشیاء فقط در جهتی است که نهی برای آن استعمال آمده باشد؛ به طور مثال اگر فقط خوردن گوشت حیوانی حرام شده است خرید و فروش گوشت آن حیوان به قصد «خوردن» حرام است اما اکتساب با گوشت آن حیوان برای اموری غیر از خوردن اشکال نداشته باشد. یا خرید روغن نجس برای خوردن حرام باشد اما برای روشنائی حرام نباشد. زیرا در متن روایت این عبارت آمده است: «مِمَّا قَدْ نَهِيَ عَنْهُ»

۱. البته بعضی از علمای رجالی قائل‌اند این کتاب برای امام رضا (ع) نیست بلکه برای والد شیخ صدوق (ره) است اما بخاطر کثرت استعمال متن و محتوای روایات این کتاب در سایر کتب معتبره شیعه، خیلی از فقها این کتاب را معتبر دانسته و به روایات آن استناد می‌کنند.

۲. «هرچه مأمور به است و خداوند به سبب آنها بر مردم ممت گذاشته است و هر چه قوام زندگی مردم در جهت صلاح به آن وابسته است در حوزه خوراک، پوشاک، آشامیدنی، مناکح، مملوکات و استفاده کردنی‌ها، بیع و شراء و هبه و عاریه آن جایز است و هر امری که در آن فساد بوده و از جهت خوردن و آشامیدن و پوشیدن و نکاح و نگه‌داری واجد وجهی از وجه فساد باشد همچون: مردار و خون و گوشت خوک و ربا و تمام فواحش و منکرات و گوشت درنده‌گان و شراب و اشباه اینها حرام بوده و برای جسم و بدن مضر می‌باشد». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص: ۶۵.

مِنْ جِهَةٍ». پس براساس این روایت، می‌توان این قاعده کلی را استنباط کرد که هر چیزی از جهتی در امر معاش حرام است از همان جهت نیز مکاسب آن حرام است و اگر مطلق اکتساب با آن حرام است به این دلیل است که مطلق استعمال آن در معیشت حرام شده است.

۱/۲. احتمال دوم در معنای این روایت: «عدم دلالت روایت بر تقیید حرمت مکاسب به جهت خاص در معایش»

البته احتمال دیگر در تفسیر این روایت این است که عبارت «مِنْ جِهَةٍ أَكْلِهِ وَ...» قید احترازی نباشد بلکه قید توضیحی محسوب شود چرا که «کل امر یکون فیه الفساد» (یا همان منهیات) همواره احتیاج به یک موضوع دارد و ذکر موضوع حکم، به معنای تقیید حکم نیست. لذا در ادامه، موضوعات حرمت از قبیل اکل و شرب و ... بیان شده تا حکم از طریق ذکر موضوعات آن، قابلیت امثال پیدا کند؛ نه این که حرمت به آنها مقید شود. پس چنین استعمالی به معنای مقید کردن محرمات و منهیات و بالتبع تقیید در مکاسب محرمه نیست بلکه بر بیان معایش محرمه (بدون نظر به قیود و جهات حرمت آن) دلالت می‌کند که نتیجه آن، عدم تقیید مکاسب محرمه است. موید این مطلب، صدر روایت است که در هنگام بیان امور مأمور به، موضوعات آن را به «مما یاکلون و یشربون و...» تبیین کرده و در آن، از لفظ «جهه» استفاده نشده است.

۱/۳. تقویت احتمال اول در تفسیر روایت فقه الرضا (ع) به علت حذف استثنائات زیاد^۱

باید توجه داشت که اگر هر دو احتمال مطرح شده، امکان صحت داشته باشد، شاید به توان احتمال اول را رجحان داد زیرا بر اساس دیگر روایات و همچنین فتوای فقها، چیزی وجود ندارد که مطلقاً و بدون قید هر گونه استعمال آن حرام باشد تا مکاسب آن نیز مطلقاً حرام شود. به طور مثال، بُت که هم ساخت و نگهداری آن حرام است، اما نگاه کردن به آن یا لمس آن (بدون نیت تقرب) حرام نیست. لذا براساس تفسیر دوم، استثنائات زیادی پیدا می‌کند یعنی در روایات دیگری حرمت کسب را به همان مورد استعمال مقید کرده است؛ به خلاف تفسیر احتمال اول که ضابطه کلی به ما می‌دهد که هم با روایات موضوعی دیگر هماهنگ است و هم دچار استثنائات زیاد نمی‌شود.

۱. این قسمت، از جلسه هجدهم به خلاصه جلسه جلسه هفدهم منتقل شده است.